

سنجش نگرش دانشجویان به دو شعر از فروغ فرخزاد و احمد شاملو

علیرضا قلی‌فامیان*

سعید کریمی قره‌بابا**

چکیده

با وجود تدریس متون ادبی در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، تاکنون نگرش دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی به آثار ادبی بررسی نشده است. محققان پژوهش حاضر با آگاهی از این خلأ پژوهشی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به مطالعه نگرش دانشجویان به نمونه‌هایی از شعر معاصر فارسی پرداخته‌اند. با الهام از چارچوب نظری والا (۲۰۱۱) سه مفهوم ارزیابی (سطح کیفی)، فهم‌پذیری (میزان پیچیدگی) و تأثیرگذاری در نظر گرفته شد و پس از انتخاب شعر «پرنده مردنی است» از فروغ فرخزاد و شعر «محاق» از احمد شاملو پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر سه مفهوم پیش‌گفته طراحی شد. ۱۲۰ دانشجو دو شعر ذکرشده را مطالعه کردند و به پرسش‌های پرسش‌نامه پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که از نظر آزمون‌های سطح کیفی دو شعر از سطح مطلوب بالاتر است، هر دو شعر قابل فهم‌اند و تا اندازه‌ای مبین احساسات آنان هستند. تحلیل یافته‌های مبتنی بر متغیر جنسیت حاکی از آن است که نگرش زنان و مردان در خصوص سطح کیفی و تأثیرگذاری دو شعر تقریباً مشابه است، اما درباره عامل فهم‌پذیری تفاوت بارزی مشاهده شد، به طوری که آزمون‌های زن هر دو شعر را پیچیده‌تر دانستند. آزمون‌های «تنهایی» و «خفقان» را به ترتیب به مفاهیم محوری دو شعر فرخزاد و شاملو معرفی کردند. محققان بر این باورند که سنجش نگرش اهل زبان به آثار ادبی می‌تواند، در کنار کمک به برنامه‌ریزی آموزش ادبیات در سطوح آموزشی مختلف، عرصه جدیدی را در مطالعات میان‌رشته‌ای با محوریت زبان و ادبیات فارسی باز کند.

کلیدواژه‌ها: نگرش، ارزیابی، فهم‌پذیری، تأثیرگذاری، شعر.

* دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام‌نور famianali@pnu.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور karimisaid58@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۵

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۵، شماره ۸۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۱. مقدمه

هر اثر ادبی در عمق خود لایه‌های متعددی دارد و معمولاً خوانندگان با سازوکارهایی مشخص و البته پیچیده می‌کوشند در لابه‌لای این سطوح مختلف به ردیابی معنایی بپردازند که خالق اثر به صورت رمزگذاری شده در متن تعبیه کرده است. خواننده به‌هنگام خواندن متن فعال است و از دانش و تجربیات خود در فرایند تعبیر و تفسیر بهره می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، تأویل متن ادبی به زیست‌جهان^۱ خواننده وابسته است. زیست‌جهان دنیای مشترک انباشته از تجارب و اطلاعات میان انسان‌هاست که از فردی به فرد دیگر متفاوت است. هرکدام از ما با خوانش متن ادبی، جهان خیالی خود را می‌آفرینیم، جهانی که الزاماً با جهان دیگران مشابه نیست. البته، با وجود انعطاف متن ادبی از منظر تأویل و تفسیر، باید پذیرفت که هر متنی همواره در خود اشاراتی دربارهٔ دوحصر تفسیر حمل می‌کند. حال، پرسش کلیدی این است که آیا درک و فهم متن ادبی اصولاً فرایندی سنجیدنی است و آیا می‌توان چگونگی این فرایند را نزد دسته‌ای از خوانندگان بررسی کرد و به مقایسه‌هایی تحلیلی در میان گروه‌های مختلف پرداخت؟ واقعیت این است که با وجود تدریس متون ادبی اعم از شعر و داستان در تقریباً تمام نظام‌های آموزشی سرتاسر جهان، سهم پژوهش در زمینه نگرش دانش‌آموزان و دانشجویان به آثار ادبی ناچیز است. محققان پژوهش حاضر با آگاهی از این خلأ پژوهشی و با رویکردی کمی به بررسی نگرش و دیدگاه خوانندگان غیرمتخصص به دو شعر فارسی پرداخته‌اند. در ادامه، برخی مطالعات انجام‌شده را، که اغلب در چارچوب روان‌شناسی زبان انجام گرفته است، مرور می‌کنیم.

۲. مطالعات پیشین

نخستین تلاش‌ها برای توصیف نگرش دانش‌آموزان به شعر به‌همت تارلتون^۲ (۱۹۸۳) و فلمینگ^۳ (۱۹۹۲) انجام شد. این دو با ابداع شیوه‌هایی نو دانش و مهارت دانش‌آموزان را در تشخیص و بازگویی گونه شعر سنجیدند. همچنین، کلی^۴ (۲۰۰۵)، با هدف بازنگری در برنامه آموزش و پرورش انگلستان، این پرسش را مطرح کرده است که چگونه می‌توان با بررسی نگرش دانش‌آموزان به شعر برای دستیابی به شیوه‌هایی مناسب‌تر در آموزش شعر و ادبیات بهره جست. او با برگزاری چند جلسه و مصاحبه، دیدگاه هشت دانش‌آموز مقطع ششم ابتدایی (چهار دختر و چهار پسر) را در خصوص گونه شعر ارزیابی کرد. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان تحت مطالعه نظرهای مشخصی در خصوص گونه شعر دارند. آنان معتقد بودند: ۱. در شعر طول سطرها کوتاه‌تر است و به تعبیری شعر دارای الگویی متمایز است؛ ۲.

شعر موزون در مجموع بهتر است؛ ۳. شعر انسان را به فکر کردن وامی‌دارد؛ ۴. شعر تجربیات شاعر را بیان می‌کند؛ ۵. شعر معاصر بهتر است؛ ۶. با خواندن دائمی شعر، فرد مؤثرتری در جامعه می‌شویم؛ و ۷. شعر همواره و فارغ از میل و علاقه ما وجود دارد.

پسکین^۵ (۲۰۰۷)، در آزمایشی میدانی، متنی را که ظاهراً در قالب شعر تهیه شده بود در اختیار دانش‌آموزان قرار داد و دریافت که دیدن سطور کوتاه در وسط صفحه به‌طور خودکار به خواننده تلقین می‌کند که با متنی ادبی سروکار دارد. سنجش پاسخ‌های فردی آزمودنی‌ها نشان داد که هنگام خواندن شعر، آزمودنی‌ها از خواندن متون لذت برده‌اند، متون را جالب‌توجه‌تر یافته‌اند و ارتباط حسی بیشتری با متون برقرار کرده‌اند. همچنین، مشخص شد که صورت ظاهری شعر، خواننده را به‌چالش می‌کشد و او را ترغیب می‌کند تا در پس معنای سطحی کلمات به دنبال مفاهیم غنی بگردد.

والا^۶ (۲۰۱۱) با الهام از مفهوم تفاوت معنایی^۷ و با تکیه بر سه عامل ارزیابی^۸ (سطح کیفی)، فهم‌پذیری^۹ (میزان پیچیدگی) و تأثیرگذاری^{۱۰} دیدگاه ۲۲۱ دانش‌آموز را درباره اشعار غنایی شاعران چک و غیرچک استخراج کرد. او هشت شعر کوتاه غنایی از شاعران مختلف را در اختیار آزمودنی‌ها قرار داد و از آنان خواست برای صفاتی نظیر قابل‌فهم/ غیرقابل‌فهم یا ساده/پیچیده و نظایر آن مقدار عددی تعیین کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که در ارائه دیدگاه‌ها تنوع زیادی وجود دارد. برای مثال، چند آزمودنی یک شعر ژاپنی پنج‌سطری را کاملاً قابل‌فهم و درعین حال کسالت‌بار معرفی کردند. همچنین، مشخص شد که آزمودنی‌های کم‌سن‌وسال‌تر اشعار شاعران معاصر را نسبت به شاعران کلاسیک قابل‌فهم‌تر می‌دانند. یکی دیگر از یافته‌های جالب‌توجه این بود که بسیاری از آزمودنی‌ها شعر ویرژیل^{۱۱} را غیرقابل‌فهم معرفی کردند، هرچند نظرشان درباره آن مثبت بود. این بدان معناست که الزاماً میان عامل فهم‌پذیری و ارزشیابی مثبت اثر ادبی هم‌بستگی مستقیم وجود ندارد. گروهی از آزمودنی‌ها نگرش خود را در باب اشعار با تجربیات شخصی‌شان گره زدند. والا معتقد است که همین تداعی‌ها باعث می‌شود دانش‌آموز با انگیزه بیشتری به شعر نزدیک شود. والا در پایان نتیجه‌گیری کرده است که استفاده از مقیاس‌های معنایی و تعیین مقدار عددی برای آنها شیوه‌ای کارآمد و نسبتاً دقیق برای کشف نگرش شعر از دیدگاه آزمودنی‌هاست.

والا و مارشوا^{۱۲} (۲۰۱۴) در پژوهشی دیگر سه گروه از دانش‌آموزان ۸ تا ۱۲ ساله را در سه مقطع راهنمایی، دبیرستان و هنرستان فنی‌وحرفه‌ای انتخاب و نگرش آنها را به اشعار

منتخب بررسی کردند. در این مطالعه نیز از روش تفاوت معنایی با تأکید بر سه عامل ارزیابی، فهم‌پذیری و تأثیرگذاری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که از نظر عامل فهم‌پذیری تفاوت زیادی میان دانش‌آموزان دبیرستان و دانش‌آموزان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و نیز دانش‌آموزان مقطع راهنمایی وجود دارد. از این گذشته، دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای، از نظر عامل ارزیابی، عملکرد ضعیف‌تری از خود نشان دادند. این محققان نتیجه گرفتند که برخی اشعار نه با شیوه‌ای منطقی و استدلالی، بلکه به گونه‌ای کاملاً احساسی درک می‌شوند.

در مطالعه‌ای دیگر، والا (۲۰۱۴) یک شعر فرانسوی به نام «صبحانه»^{۱۳} اثر پرورت^{۱۴} را در اختیار گروهی از دانش‌آموزان و دانشجویان قرار داد و سپس از معلمان یا استادان ادبیات آزمودنی‌ها خواست تا درباره شعر با آنان گفت‌وگو کنند. البته، نقش معلم یا استاد ادبیات چندان مهم نبود و آنان صرفاً وظیفه داشتند زمینه‌ای فراهم سازند تا آزمودنی‌ها به راحتی به شرح دیدگاه‌ها و نظرهای خود بپردازند. مطابق با معیارهای ادبی رایج، «صبحانه» شعری بسیار ساده است. ۲۸ سطر ابتدایی این شعر صرفاً توصیف صحنه‌ای از زندگی روزمره است و سه سطر پایانی آن بازتاب سردی رابطه میان دو نفر (احتمالاً زن و مرد) و نومییدی و اندوه راوی است. شاعر اطلاعات بیشتری از این دو فرد در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد و هرگونه تعبیر و تفسیر در این باره به خواننده واگذار می‌شود. نتایج استخراج‌شده از مصاحبه با آزمودنی‌ها نشان داده است که متغیر سن در تعبیر و تفسیر شعر مؤثر است. برای مثال، آزمودنی‌های ۱۴ و ۱۵ ساله، این شعر را از نظر عاطفی بسیار کوبنده معرفی کردند، در حالی که آزمودنی‌های ۱۷ و ۱۸ ساله سردی رابطه میان دو شخصیت فرضی شعر را چندان عجیب و تأثیرگذار ندانستند. از نکات درخور توجه این است که مقدار عددی دو عامل فهم‌پذیری و ارزیابی در خصوص دانش‌آموزان دختر بیش از آزمودنی‌های پسر است. شاید دلیل اصلی این تفاوت این است که دانش‌آموزان دختر با راوی شعر - که برپایه شواهد شعری زن است - احساس قرابت بیشتری کرده‌اند. همچنین، مشخص شد که میان آزمودنی‌هایی که به طور دائمی شعر می‌خوانند و گروهی که تجربه‌ای در خواندن شعر ندارند، فقط در عامل فهم‌پذیری تفاوت وجود دارد. بین دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه نیز تفاوت مشهودی وجود دارد، به طوری که دانشجویان رشته‌های علوم پایه شعر «صبحانه» را تأثیرگذارتر معرفی کردند و شفافیت و صراحت شاعر را ستودند.

در ایران و در چارچوب زبان فارسی، پژوهشی در زمینه سنجش نگرش دانش‌آموزان یا دانشجویان به یک اثر ادبی مشخص انجام نشده است. نزدیک‌ترین مطالعه به چارچوب پژوهش حاضر، مطالعه جواد‌یگانه و کاظمی (۱۳۹۰) است که با روشی پیمایشی به

بررسی نگرش جوانان به خواندن رمان جدی پرداخته‌اند. محققان با تأکید بر اهمیت مفهوم نگرش و تأثیر آن در زندگی عاطفی و احساسی انسان، و براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای و گردآوری نظر ۳۹۳ دانشجوی دانشگاه تهران، دریافتند که اغلب آزمودنی‌ها نظر مساعدی در باب خواندن رمان جدی دارند، هرچند کمتر از نیمی از آنان در عمل رمان جدی می‌خوانند. یافته‌ها نشان داده است که چند عامل در انگیزه خواندن رمان مؤثر است: نگرش افراد به خواندن رمان جدی، نظر صاحب‌نظران در رفتار خواندن، درک بیشتر فرد از عوامل بازدارنده یا تسهیل‌کننده خواندن، و تجربه بیشتر فرد از خواندن در گذشته.

۳. پرسش‌های پژوهش

در مطالعه حاضر، محققان با تکیه بر دو شعر کوتاه از دو شاعر معاصر فارسی و با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته، نگرش گروهی از دانشجویان را درباره اشعار موردنظر بررسی می‌کنند. گفتنی است که سه پرسش نخست به‌ترتیب و به‌طور مستقیم مبتنی بر سه عامل ارزیابی، فهم‌پذیری و تأثیرگذاری است و دو پرسش بعدی نیز به‌گونه‌ای غیرمستقیم با دو عامل فهم‌پذیری و تأثیرگذاری سروکار دارند. پرسش ششم نیز به بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر سه عامل پیش‌گفته اختصاص دارد.

۱. آزمودنی‌های پژوهش حاضر چه نظری درباره ارزش ادبی دو شعر بررسی شده دارند؟
۲. نگرش آزمودنی‌ها درخصوص سادگی یا پیچیدگی دو شعر بررسی شده چیست؟
۳. آزمودنی‌ها تا چه میزان این دو شعر را مبین احساسات و عواطف خود می‌دانند؟
۴. آزمودنی‌ها تا چه میزان به مفهوم محوری دو شعر پی‌برده‌اند؟
۵. آزمودنی‌ها با خواندن این دو شعر دست‌خوش چه نوع احساساتی می‌شوند؟
۶. آیا میان متغیر جنسیت و سه عامل ارزیابی، فهم‌پذیری و تأثیرگذاری دو شعر رابطه‌ای وجود دارد؟

۴. دو شعر منتخب از دو شاعر معاصر

در پژوهش حاضر برای سنجش نگرش آزمودنی‌ها به شعر معاصر فارسی، دو اثر از فروغ فرخزاد و احمد شاملو را انتخاب کرده‌ایم. فروغ فرخزاد (۱۳۱۳-۱۳۴۵) شخصیتی برجسته در شعر معاصر به‌شمار می‌آید و از او باعنوان یکی از شاعران تأثیرگذار معاصر یاد می‌شود. او در آغاز از شاعران بزرگ کلاسیک مانند سعدی و نیز اصول رمانتیسیسم پیروی می‌کرد، اما

پس از آشنایی با نظریات نیما یوشیج، حال و هوایی جدید را وارد شعرش کرد. سه مجموعه شعر نخست فروغ با نام‌های *اسیر*، *دیوار* و *عصیان*، که در دهه سی خورشیدی انتشار یافت و اغلب در قالب چهارپاره سروده شده بود، دفترهایی متوسط قلمداد می‌شدند که چندان از هنجارهای زمانه فراتر نمی‌رفتند. فروغ پس از جدایی از همسرش به اروپا سفر کرد و سپس تر با ابراهیم گلستان نویسنده و کارگردان نام‌دار ایرانی آشنا شد. آشنایی با گلستان، او را متوجه دنیای اسرارآمیز فیلم و سینما کرد. همه اینها، در کنار مطالعه و پشتکار بی‌امان، هنر و شعر فروغ را به تحول روحی و فکری بزرگی رهنمون شد. حاصل این تحول در دو مجموعه تولدی دیگر و *ایمان بی‌اوریم* به آغاز فصل سرد کاملاً آشکار است. فروغ در این دو دفتر جهش‌های نوآورانه زبانی و اندیشگی را تجربه کرده است. این دو کتاب نام او را در شعر معاصر ایران تثبیت کرد. اشعار فروغ فرخزاد پس از نیم‌قرن هنوز به سبب سبک متهورانه زبانه، اندیشه‌های انسان‌گرایانه، اوزان مرکب و زبان نمادین و سیالش خوانندگان و منتقدان را به خود جلب می‌کند.

در این پژوهش، شعر «پرنده مردنی است» از دفتر *ایمان بی‌اوریم* به آغاز فصل سرد به‌مثابه یکی از متون منتخب جهت سنجش نگرش آزمودنی‌ها انتخاب شده است. «شب»، «چراغ»، «آفتاب» و «پرنده» از واژه‌هایی‌اند که در شعر فروغ کاربرد بسیاری دارند و در کنار هم هسته مرکزی همین شعر را نیز تشکیل می‌دهند. شب بر فضای شعر حاکم است، اما شاعر به سه واژه دیگر ذهنیت مثبتی دارد، هرچند که این واژه‌ها نیز نتوانسته‌اند معنای امیدوارانه‌ای به کلیت شعر ببخشند. شعر فروغ از زبانی ساده و نزدیک به محاوره مردم برخوردار است، هرچند غالباً چندان ساختار محکمی ندارد و به شکل بایسته دست نیافته است. «شعر فروغ شعر محتواست، به معنای دقیق کلمه، لکن این محتوا، متشکل، به معنای دقیق کلمه نیست، این یک کمبود است. تنها رابطه بین یک بند شعر با بند دیگر همان شعر فقط عاطفی و فلسفی است» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۱۰۵). با این‌همه، شعر یادشده «کوتاه‌ترین و درعین حال متشکل‌ترین شعر فروغ است» (حقوقی، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

نمونه دوم جهت بررسی نگرش آزمودنی‌ها را از میان اشعار احمد شاملو انتخاب کرده‌ایم. احمد شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹) یکی از شاعران پرکار ادبیات معاصر ایران است. از ترجمه ادبی و روزنامه‌نگاری تا گویندگی و فیلم‌نامه‌نویسی، همه‌نوع فعالیت‌های او دیده می‌شود، اما آنچه نام شاملو را پرآوازه کرد شعرهای منثورش بود. شاملو تحت تأثیر افکار ادبی نیما یوشیج شروع به سرودن شعرهای بی‌وزنی کرد که بعدها شعر سپید نام گرفت؛ البته، نیما نوگرایی تا این حد را بر نمی‌تافت و بارها مخالفت خود را با حذف وزن از شعر بیان کرده

بود. شاملو در مجموع هفده دفتر شعر منتشر کرده است که اشعار دههٔ چهلش اوج پختگی او را نشان می‌دهد. مجموعهٔ *هوای تازه* او همانند *تولد* دیگر فروغ شکل‌ها و تجربه‌هایی متفاوت را به ادبیات معاصر فارسی عرضه کرد. آزادی، عشق و اندیشه‌های اومانیستی از مضامین غالب شعر شاملو محسوب می‌شوند. شاملو دربارهٔ ادبیات کلاسیک و عامیانه تحقیقات بسیاری انجام داده بود؛ چندان که تأثیر هر دو زمینه را بر زبان، موسیقی و فضای شعری‌اش به‌وضوح می‌توان نشان داد. شاملو معتقد بود که شعر باید به‌منزلهٔ شیپوری به قصد بیداری اذهان مردم و تنویر افکار عمومی عمل کند. به‌موازات آرمان‌های اجتماعی، عاشقانه‌های شاملو نیز جزء دلنشین‌ترین سرودهای غنایی ادبیات فارسی تلقی می‌شوند. شاملو بعد از نیما تأثیرگذارترین شاعر معاصر است و همچنان اشعارش به چاپ‌های متعدد رسیده و بخت آن را یافته است که به چندین زبان زندهٔ دنیا ترجمه شود. می‌توان شعر فروغ و شاملو را نمایندگانی شایسته از شعر امروز ایران معرفی کرد.

دومین نمونهٔ شعر جهت سنجش نگرش آزمودنی‌ها، شعر «محاق» از دفتر *ابراهیم در آتش احمد* شاملو است. این دفتر اشعار شاملو را در میانهٔ سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۲ دربرمی‌گیرد و برخی از شعرهای معروف شاملو در آن گنجانده شده است. حقوقی معتقد است که جلوه‌های تأثیر شاعر از جریان‌ها و حوادث میهن را در این کتاب بیش از هر کتاب دیگر او می‌توان دید (حقوقی، ۱۳۶۸: ۲۵۵). شعر «محاق» در همین دفتر به «گوهر مراد، نام مستعار غلامحسین ساعدی، یکی از نویسندگان بزرگ معاصر» تقدیم شده است. محاق در لغت به‌معنای سه شب آخر ماه قمری است که در آنها ماه از چشم ناظر زمینی دیده نمی‌شود. پنهان شدن ماه در این شعر می‌تواند نمادی از نقش‌برآب شدن تلاش‌های اجتماعی و مبارزات سیاسی روشنفکران در جهت رقم‌زدن زمانه‌ای نو و سرشار از عدالت و آزادی باشد. محاق از جمله شعرهای کوتاه، استوار، نمادگرا و ساختمند شاملو است. گرمارودی استواری زبان و بیان این شعر را به چند عامل از جمله باستان‌گرایی در انتخاب کلمات و داشتن وزن درونی یا کیفی (دربرابر وزن کمی) باز بسته می‌داند (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۹۳: ۶). پورنامداریان نیز ضمن بحثی طولانی دربارهٔ سبک و کیفیت دایرهٔ واژگانی شعر شاملو دست‌کم دو نوع زبان را در این شعر شناسایی کرده است:

لغاتی مانند عقیق، سبزه، داس و صنوبر که رنگ امروزی دارد و در زبان مردم رایج و زنده است و همچنین لغاتی نظیر نجوا و گزمگان که بیشتر رنگ قدیمی دارد و امروزه در زبان مردم به‌خصوص در زبان گفتار از رواج افتاده است (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۳۲۴-۳۳۱۷).

گرمارودی بر این گمان است که «ساختمان این شعر هیچ سطح و اشکوبه اضافی ندارد: از نقطه‌ای درست و راستین آغاز شده و در نقطه‌ای منطقی پایان یافته است و اگر هریک از مصراع‌های آن را بردارید، این ساختمان دقیق فروخواهد ریخت» (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۳).

۵. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، ۱۲۰ دانشجوی مقطع کارشناسی (۶۰ زن و ۶۰ مرد) از دانشگاه پیام‌نور مرکز شبستر به‌عنوان آزمودنی با محققان همکاری کردند. تمام آزمودنی‌ها در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ در رشته‌های مختلف مانند مدیریت دولتی و صنعتی، حسابداری، حقوق، روان‌شناسی، علوم تربیتی، جغرافیا، تربیت‌بدنی، زیست‌شناسی و الهیات مشغول به تحصیل بوده‌اند. به‌دلیل تمرکز محققان بر سنجش نگرش دانشجویان غیرمتخصص در زمینه‌های ادبی، دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی و نیز دانشجویانی که به‌طور شخصی به مطالعه شعر و متون ادبی گرایش داشته‌اند انتخاب نشدند. اغلب آزمودنی‌های انتخاب‌شده دانشجوی ترم اول دوره تحصیلی بودند و در ترم نخست هم درس فارسی عمومی را که واحدی عمومی است انتخاب کرده‌اند.

محققان برای گردآوری داده‌ها ابتدا ۱۲۰ آزمودنی را به‌طور تصادفی به دو گروه مساوی ۶۰ نفره (۳۰ زن و ۳۰ مرد) تقسیم کردند. سپس، به گروه ۶۰ نفره اول دو برگه شامل یک صفحه متن شعر فروغ فرخزاد (بدون ذکر عنوان شعر یا شاعر) و یک صفحه پرسش‌نامه ارائه شد. پرسش‌نامه شامل پنج پرسش بسته، به‌همراه یک پرسش نهایی باز بود، تا آزمودنی بتواند هرگونه تعبیر و تفسیر خود را مفصل و آزادانه بیان کند. آزمودنی‌های گروه ۶۰ نفره دوم (۳۰ زن و ۳۰ مرد) نیز یک صفحه متن شعر «محاق» از احمد شاملو (بدون ذکر عنوان شعر یا شاعر) و یک صفحه پرسش‌نامه مرتبط با شعر مزبور را دریافت کردند. در انتهای پرسش‌نامه این گروه نیز یک پرسش باز درج شد. گفتنی است اغلب آزمودنی‌ها به پرسش گفته‌شده پاسخ دادند و دیدگاه‌های خود را خارج از چارچوب سؤالات پرسش‌نامه نیز ابراز کردند. این نظرها در پژوهش حاضر استفاده نشده است، اما در نوع خود بسیار پراهمیت است و می‌تواند پیکره‌ای غنی برای پژوهش مستقل دیگری باشد. متن دو شعر و پرسش‌نامه ارائه‌شده به آزمودنی‌ها در ضمیمه مقاله درج شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا به مرور نتایج تحقیق درباره‌ی کل آزمودنی‌ها می‌پردازیم. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، متغیرهای مربوط به سه سؤال نخست مندرج در پرسش‌نامه شامل ارزیابی (سطح کیفی)، فهم‌پذیری (پیچیدگی) و بیان احساس دو شعر است. فراوانی آزمودنی‌ها ۱۲۰ نفر بوده و سطح اطمینان به نتایج آزمون ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است. برای سنجش نگرش دانشجویان به سطح کیفی دو شعر بررسی شده، طیفی با پنج سطح «عالی، بسیار خوب، خوب، متوسط، نازل» مشخص شد. در خصوص پرسش دوم (پیچیدگی) نیز پیوستاری شامل پنج سطح «بسیار پیچیده، پیچیده، قابل فهم، ساده، بسیار ساده» انتخاب شد و ارزش عددی ۱ تا ۵ برای هر یک از موارد در نظر گرفته شد. برای پرسش سوم (بیان احساس) نیز پنج سطح «بسیار زیاد، زیاد، تا حدی، کم، بسیار کم» لحاظ شد و همانند موارد قبلی ارزش عددی در نظر گرفته شد. به بالاترین سطح عدد ۵ و به کمترین سطح عدد ۱ اختصاص داده شد و عدد ۳ به مثابه میانگین اعداد و نمره آزمون در نظر گرفته شد. پس از ارائه پرسش‌نامه به آزمودنی‌ها، اطلاعات آماری جمع‌آوری شد. جدول ۱ نتایج آماری مرتبط را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نگرش کل آزمودنی‌ها درباره سطح کیفی، پیچیدگی و بیان احساس دو شعر

متغیرها	فراوانی	میانگین	آماره t	سطح معنی‌داری
سطح کیفی (پرسش ۱)	۱۲۰	۳/۵۵	۵/۸۱۶	۰/۰۰۰
پیچیدگی (پرسش ۲)	۱۲۰	۳/۰۷۵	۰/۸۷۷	۰/۳۸۲
بیان احساس (پرسش ۳)	۱۲۰	۲/۹۵	-۰/۴۶۴	۰/۶۴۳

با توجه به جدول ۱، نتایج پرسش اول نشان می‌دهد که میانگین سطح کیفی دو شعر در بین تمامی آزمودنی‌ها ۳/۵۵ است که با میانگین مبنا (۳) اختلاف ۵۵ درصدی دارد و این اختلاف با توجه به آماره تی (۵/۸۱۶) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) آزمون، با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه آزمودنی‌ها سطح کیفی دو شعر بالاتر از سطح متوسط (خوب) است.

بر اساس میانگین درج شده برای عامل پیچیدگی (۳/۰۷۵) و آماره تی (۰/۸۷۷) و سطح معنی‌داری (۰/۳۸۲) آماره مزبور، نتیجه می‌گیریم که نگرش کلی دانشجویان به سطح «قابل فهم» بسیار نزدیک است و اختلاف معنی‌داری با عدد مبنا (۳) دیده نمی‌شود. در خصوص متغیر بیان احساس نیز نتایج تقریباً شبیه متغیر پیچیدگی است و میانگین

مندرج در جدول درباب این متغیر حاکی از آن است که دو شعر مورد استفاده تاحدی مبین احساسات و عواطف آزمودنی‌ها هستند.

در این پژوهش، کل آزمودنی‌ها (۱۲۰ نفر) به دو گروه زن (۶۰ نفر) و مرد (۶۰ نفر) تقسیم شده‌اند و آزمون مرتبط براساس دو گروه پیش‌گفته نیز اجرا شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. نگرش آزمودنی‌ها به سطح کیفی، پیچیدگی و بیان احساس به تفکیک متغیر جنسیت

مرد			زن			
سطح معنی داری	آماره t	میانگین	سطح معنی داری	آماره t	میانگین	
۰/۰۰/۰	۴/۷۲۹	۳/۶۲	۰/۰۰۱	۳/۵۱۴	۳/۴۸	سطح کیفی (پرسش ۱)
۰/۸۰۵	-۰/۲۴۸	۲/۹۷	۰/۰۸۶	۱/۷۴۷	۳/۱۸	پیچیدگی (پرسش ۲)
۰/۶۳۷	-۰/۴۷۵	۲/۹۳	۰/۸۴۰	-۰/۲۰۲	۲/۹۷	بیان احساس (پرسش ۳)

با توجه به اطلاعات جدول ۲ مشخص می‌شود که درباب پرسش اول میانگین هردو گروه آزمودنی بیش از عدد ۳ بوده و این اختلاف از لحاظ آماری معنی دار است. البته، میانگین گروه مردان اندکی بیش از گروه زنان است.

دربارۀ پرسش دوم اختلاف آماری بین دو گروه زن و مرد اندکی زیاد است؛ به این صورت که میانگین سطح پیچیدگی دو شعر از دیدگاه آزمودنی‌های زن ۳/۱۸ است، در حالی که میانگین آزمودنی‌های مرد کمتر از ۳ است. درحقیقت، می‌توان نتیجه گرفت که آزمودنی‌های زن به‌طور معنی داری دو شعر را پیچیده‌تر دانسته‌اند.

درخصوص پرسش سوم نیز از نظر هردو گروه آزمودنی‌ها این دو شعر تاحدودی مبین احساسات و عواطف هستند و میان دو گروه آزمودنی زن و مرد اختلاف معنی داری مشاهده نمی‌شود.

در پژوهش حاضر، نگرش آزمودنی‌ها به تفکیک دو شاعر نیز استخراج شد. مطابق با جدول ۳، نظر تمام آزمودنی‌هایی که شعر فروغ فرخزاد و احمد شاملو را به تفکیک مطالعه کرده‌اند درخصوص سطح کیفی هردو شعر بالاتر از میانگین مبناست. درباب پیچیدگی شعر نیز نظر آزمون‌شوندگان درباب پیچیدگی شعر احمد شاملو بالاتر از سطح پیچیدگی شعر فرخزاد است و این اختلاف سطح از لحاظ آماری کاملاً معنی دار است. دربارۀ بیان احساسات نیز پرسش‌شوندگان نظر تقریباً مشابهی دربارۀ بیان احساس دو شعر ابراز کرده‌اند و شعر هردو شاعر را تاحدی مبین احساسات و عواطف خود دانسته‌اند.

جدول ۳. نگرش آزمودنی‌ها به سطح کیفی، پیچیدگی و بیان احساس به تفکیک دو شاعر

احمد شاملو		فروغ فرخزاد			سطح معنی‌داری	میانگین
سطح معنی‌داری	آماره t	میانگین	سطح معنی‌داری	آماره t		
۰/۰۰۰	۳/۷۵	۳/۵۲	۰/۰۰۰	۴/۴۵۹	۳/۵۸	سطح کیفی (پرسش ۱)
۰/۰۰۳	۳/۰۷	۳/۳۷	۰/۰۵۷	-۱/۹۳۹	۲/۷۸	پیچیدگی (پرسش ۲)
۰/۵۷۳	-۰/۵۶۷	۲/۹۲	۰/۹۱۷	-۰/۱۰۵	۲/۹۸	بیان احساس (پرسش ۳)
تعداد مشاهدات: ۶۰ سطح اطمینان به آزمون: ۹۵ درصد						

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، نگرش آزمودنی‌ها درباره مفهوم محوری دو شعر تحت مطالعه نیز استخراج شد. گفتنی است نگرش آزمودنی‌ها در این باره در واقع با عامل پیچیدگی ارتباط دارد؛ زیرا فرض بر این است که خواننده‌ای که به مفهوم هسته‌ای یک اثر ادبی پی برده است، در واقع متوجه پیچیدگی اثر مزبور شده است. محققان پژوهش حاضر برای گردآوری دیدگاه آزمودنی‌ها درباره مفهوم محوری اثر، برای شعر فروغ فرخزاد چهار مفهوم «بیهودگی»، «مرگ»، «شکست»، «تنهایی» و برای شعر احمد شاملو چهار مفهوم «خفقان»، «مرگ»، «اعتراض» و «خشونت» را در قالب گزینه‌های سؤال عرضه کردند. آزمودنی‌ها موظف بودند فقط یک گزینه را انتخاب کنند. پس از استخراج داده‌ها نتایج در قالب دو نمودار ذیل به نمایش درآمد.

مطابق با نمودار ۱، به اعتقاد اغلب آزمودنی‌هایی که شعر فروغ فرخزاد را مطالعه کرده‌اند، مفهوم شعر «عصیان» تنهایی است. گزینه مرگ با اختلاف زیاد در رتبه دوم قرار دارد و مفاهیم شکست و بیهودگی نیز در جایگاه‌های سوم و چهارم هستند. نکته درخور تأمل اینکه آزمودنی‌های زن (ستون سفید) بیش از آزمودنی‌های مرد (ستون خاکستری) تنهایی را مفهوم هسته‌ای شعر فروغ فرخزاد معرفی کرده‌اند. چنین اختلاف دیدگاهی در خصوص شعر احمد شاملو مشاهده نمی‌شود؛ زیرا هر دو گروه زن و مرد، تقریباً به یک اندازه خفقان را به مثابه مفهوم محوری شعر برگزیده‌اند.

نمودار ۱. نگرش آزمودنی‌ها درباره مفهوم محوری شعر «پرنده مردنی است»

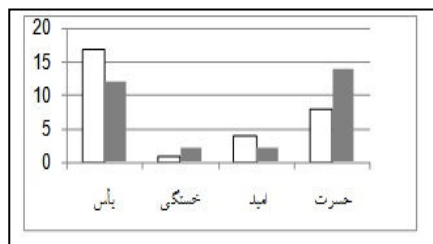


نمودار ۲. نگرش آزمودنی‌ها درباره مفهوم محوری شعر «محاق»

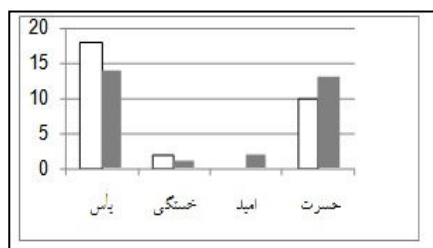


محققان در یکی از سؤالات پرستش‌نامه ارائه‌شده به آزمودنی‌ها از آنان پرسیده‌اند که پس از مطالعه شعر دچار چه نوع احساسی شده‌اند. محققان برای این پرسش نیز چهار گزینه شامل حسرت، امید، خستگی و یأس برای آزمودنی‌های هر دو شعر در نظر گرفتند. دقت در نمودار ۳ نشان می‌دهد که اغلب آزمودنی‌های زن با خواندن شعر فروغ دچار احساس یأس شده‌اند، درحالی‌که آزمودنی‌های مرد دچار حسرت شده‌اند. البته، تفکیک مرز دقیق میان دو مفهوم یأس و حسرت کار ساده‌ای نیست، اما می‌توان ادعا کرد که یأس احساسی کاملاً نومیثانه و تلخ است و به‌نظر می‌آید امکان جبران برای فرد وجود ندارد، درحالی‌که احساس حسرت درعین تلخی با نوعی سرزنش و احتمال جبران خسارت همراه است. نمودار ۴ نیز نشان می‌دهد که اغلب آزمودنی‌ها (به‌ویژه زنان) با خواندن شعر محاق از احمد شاملو دچار یأس شده‌اند و احساس حسرت نیز در رتبه دوم قرار دارد.

نمودار ۳. احساس آزمودنی‌ها درباره شعر فروغ فرخزاد



نمودار ۴. احساس آزمودنی‌ها درباره شعر احمد شاملو



۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، محققان کوشیدند با الهام از چارچوب نظری والا (۲۰۱۱) و با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته، نگرش گروهی از آزمودنی‌ها را درخصوص دو شعر معاصر فارسی بسنجند. به این منظور، آزمودنی‌ها که همگی دانشجویان ترم اول یا دوم دانشگاه پیام‌نور مرکز شبستر بودند به سؤالات پرسش‌نامه پاسخ دادند. سه پرسش نخست سطح کیفی اشعار، میزان پیچیدگی و بیان احساس توسط دو شعر را از آزمودنی‌ها پرسیده است. دو پرسش دیگر شامل شناسایی مفهوم محوری شعر و احساس آزمودنی پس از خواندن شعر به‌طور غیرمستقیم با عوامل مطرح‌شده در والا (۲۰۱۱) ارتباط داشتند. محققان ۱۲۰ آزمودنی را به‌طور تصادفی به دو گروه ۶۰ نفره تقسیم کردند و به هر آزمودنی یک برگه شعر و یک برگه پاسخ‌نامه دادند. پس از گردآوری پرسش‌نامه‌ها، نتایج به‌صورت جدول و نمودار ارائه شد. یافته‌ها درخصوص کل آزمودنی‌ها نشان داد که در مجموع، آزمودنی‌ها سطح کیفی دو شعر را بالاتر از خوب می‌دانند. همچنین، نگرش کلی دانشجویان درخصوص عامل پیچیدگی این است که دو شعر «پرنده مردنی است» و «محاق» قابل‌فهم‌اند و درخصوص عامل بیان احساس نیز نتیجه می‌گیریم که در کل، آزمودنی‌ها دو شعر را تا اندازه‌ای مبین احساسات و عواطف خود می‌دانند.

تحلیل یافته‌ها با توجه به متغیر جنسیت نشان داد که نگرش زنان و مردان آزمودنی درخصوص سطح کیفی دو شعر تقریباً در یک حد (گروه مردان اندکی بیش از گروه زنان) و بالاتر از سطح میانگین است. درخصوص عامل پیچیدگی نیز مشاهده شد که آزمودنی‌های زن دو شعر را پیچیده‌تر دانسته‌اند و این یافته با دستاورد پژوهشی والا (۲۰۱۴) مغایر است. همچنین، هر دو گروه زنان و مردان دو شعر را تا حدودی مبین احساسات و عواطف خود دانستند و میان دو گروه آزمودنی اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد. این موضوع نیز با یافته

والا (۲۰۱۴) ناسازگار است؛ زیرا محقق پیش‌گفته در مطالعه خود نتیجه گرفته بود که دختران و پسران به‌گونه‌ای متفاوت به اشعار واکنش نشان داده بودند.

براساس یافته‌های پژوهش به‌تفکیک دو شاعر مشخص شد که نظر آزمودنی‌ها درخصوص سطح کیفی هر دو شعر بالاتر از میانگین میناست. دانشجویان به‌گونه‌ای کاملاً بارز شعر احمد شاملو را پیچیده‌تر از شعر فروغ فرخزاد دانسته‌اند. درباب عامل بیان احساس نیز پرسش‌شوندگان نظر تقریباً مشابهی درباره بیان احساس دو شعر اعلام کرده‌اند.

یافته‌ها درخصوص مفهوم کلیدی دو شعر حاکی از آن است که از نظر آزمودنی‌ها تنهایی مفهوم محوری شعر «پرنده مردنی است» و البته دراین خصوص تفاوت بارزی میان دو گروه زنان و مردان مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که آزمودنی‌های زن بیش از آزمودنی‌های مرد تنهایی را مفهوم هسته‌ای این شعر انتخاب کرده‌اند. همچنین، مشخص شد که گروه زنان و مردان تقریباً به یک‌اندازه خفقان را به‌مثابه مفهوم کلیدی شعر محاق برگزیده‌اند.

همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره شد، این پژوهش نخستین گام در حوزه سنجش کمی نگرش اهل زبان به شعر فارسی است. نگارندگان مقاله حاضر بر این باورند که با انجام مطالعات میان‌رشته‌ای می‌توان نگرش گروه‌های سنی و تحصیلی مختلف را در زمینه نگرش به متون ادبی سنجید و به یافته‌های نظری و کاربردی ارزشمندی دست یافت. البته، بررسی نگرش افراد به آثار ادبی برای محققان حوزه ادبیات نیز حائز اهمیت است. سنجش نگرش افراد غیرمتخصص و مقایسه یافته‌ها با نگرش منتقدان و محققان حوزه ادبیات از جمله زمینه‌های پژوهشی‌ای است که می‌تواند به اصلاح برخی کاستی‌ها در برنامه آموزش ادبیات در کشور کمک کند. بررسی نگرش اهل زبان به متون کلاسیک و معاصر فرصتی نیز برای انجام مطالعات تاریخی و تطبیقی فراهم می‌کند.

پی‌نوشت

1. Life World
2. R. Tarleton
3. M. Fleming
4. A. Kelly
5. J. Peskin
6. J. Vala
7. Semantic Differential
8. Evaluation
9. Comprehensibility
10. Impressiveness
11. Virgil

12. H. Marešová
13. Breakfast
14. J. Prevert

منابع

- براهنی، رضا (۱۳۸۰) طلا در مس. تهران: زریاب.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و مریم کاظمی (۱۳۹۰) «نگرش دانشجویان به خواندن رمان جدی». نقد ادبی. سال سوم. شماره ۱۳: ۲۳-۴۷.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱) سفر در مه، تأملی در شعر احمد شاملو. تهران: نگاه.
- حقوقی، محمد (۱۳۶۸) احمد شاملو؛ شعر زمان ۱. تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۸۱) فروغ فرخزاد؛ شعر زمان ۴. چاپ هفتم. تهران: نگاه.
- شاملو، احمد (۱۳۹۲) ابراهیم در آتش. تهران: نگاه.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۸۷) مجموعه شعرهای فروغ فرخزاد. تهران: نیکا.
- موسوی‌گرمارودی، سیدعلی (۱۳۹۳) «شاعری در تصرف شعر؛ نگاهی به شعرهای آیینی سیدحسن حسینی». روزنامه اطلاعات. شماره ۲۶۰۴۲ (پنجشنبه دوم آذر).
- Bruner, J. (1986) *Actual minds, possible worlds*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Fleming, M. (1992) "Pupil's perceptions of the nature of poetry". *Cambridge Journal of Education*, 22.1: 31-41.
- Harker, W.J. (1994) "Plain sense and poetic significance: Tense-grade readers reading two poems", *Poetics*, 22: 199-218.
- Kelly, A. (2005) "Poetry? Of course we do it. It's in the National Curriculum" Primary children's perception of poetry. *Literacy*, November: 129-134.
- Peskin, J. (2007) "The genre of poetry: secondary school students' conventional and interpretive operations", *English in Education*, Vol. 41, No. 3: 20-36.
- Tarleton, R. (1983) "Children's thinking and poetry". *English in Education*, 17.3: 36-46.
- Vala, J. (2011) "Exact research on the reception of poetry". *Procedia-Social and Behavioural Sciences* 29: 520-527.
- Vala, J. (2014) "Prévert's poem Breakfast in the reception of young readers". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 112: 277-283.
- Vala, J., Marešová, H. (2014) "The comparison of reception of selected poems by students from varies schools". *Procedia- Social and Behavioral Sciences* 112: 248-289.

Weinburgh, M. (1995) "Gender differences in student attitudes towards science: A meta-analysis of the literature from 1970-1991". *Journal of Research in Science Teaching*, Vol. 32, No. 4: 387-398.

ضمیمه

«به نام خدا»

دانشجوی عزیز،

ضمن سپاس از همکاری صمیمانه شما، لطفاً پس از خواندن دقیق شعر زیر، با تأمل، به سؤالات مطرح شده

در این زمینه پاسخ دهید:

دل‌م گرفته است

دل‌م گرفته است

به ایوان می‌روم و انگشتانم را

بر پوست کشیده شب می‌کشم

چراغ‌های رابطه تاریک‌اند

چراغ‌های رابطه تاریک‌اند

کسی مرا به آفتاب

معرفی نخواهد کرد

کسی مرا به میهمانی گنجشک‌ها نخواهد برد

پرواز را به خاطر بسیار

پرنده مردنی است.

سؤالات پرسش‌نامه:

۱- سطح این شعر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی بسیار خوب خوب متوسط نازل

۲- به نظر من این شعر از نظر ادبی است.

بسیار پیچیده پیچیده قابل فهم ساده بسیار ساده

۳- این شعر تا چه حدی می‌تواند بیانگر عواطف و احساسات شما باشد؟

بسیار زیاد زیاد تا حدی کم بسیار کم

۴- به نظر شما کدام یک از موارد زیر به مفهوم مرکزی شعر اشاره دارد؟

بیهودگی شکست مرگ تنهایی

۵- با خواندن این شعر دچار چه احساسی شده‌اید؟

امید یأس حسرت خستگی

۶- می‌توانید هر نظر دیگری را که درباره شعر دارید در این قسمت بنویسید:

«به نام خدا»

دانشجوی عزیز،

ضمن سپاس از همکاری صمیمانه شما، لطفاً پس از خواندن دقیق شعر زیر، با تأمل، به سؤالات مطرح شده در

این زمینه پاسخ دهید:

به نو کردن ماه

بر بام شدم

با عقیق و سبزه و آینه

داسی سرد بر آسمان گذشت

که پرواز کبوتر ممنوع است

صنوبرها به نجوا چیزی گفتند

و گزمگان به هیاهو شمشیر در پرندگان نهادند

ماه

برنیامد

سؤالات پرسش نامه

۱- سطح این شعر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ بسیار خوب □ خوب □ متوسط □ نازل

۲- به نظرم این شعر از نظر ادبی است.

□ بسیار پیچیده □ پیچیده □ قابل فهم □ ساده □ بسیار ساده

۳- این شعر تا چه حدی می‌تواند بیانگر عواطف و احساسات شما باشد؟

□ بسیار زیاد □ زیاد □ تا حدی □ کم □ بسیار کم

۴- به نظر شما کدام یک از موارد زیر به مفهوم مرکزی شعر اشاره دارد؟

□ مرگ □ خفقان □ اعتراض □ خشونت

۵- با خواندن این شعر دچار چه احساسی شده‌اید؟

□ امید □ یأس □ حسرت □ خستگی

۶- هر نظری را که درباره شعر دارید در این قسمت بنویسید: